

Readings and Prayers for Easter 3

<p>Collect</p> <p>Almighty Father, who in your great mercy gladdened the disciples with the sight of the risen Lord: give us such knowledge of his presence with us, that we may be strengthened and sustained by his risen life and serve you continually in righteousness and truth; through Jesus Christ your Son our Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever.</p>	<p>دعای شروع مراسم مقدس</p> <p>خداوند قادر مطلق، کسی که به واسطه رحمت عظیمت حواریون را با دیدن قیام خداوند خشنود ساختی: معرفتی به ما عطا کن که حضورش را در خودمان درک کنیم، تا بتوانیم بواسطه قیامش نیرومند و قدرتمند شویم و پیوسته در نیکوکاری و صداقت خدمتگزار تو باشیم؛ بواسطه فرزندت و خداوند ما عیسی مسیح، کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالابد.</p>
<p>Acts 2:14a, 36-41</p> <p>But Peter, standing with the eleven, raised his voice and addressed them, "Therefore let the entire house of Israel know with certainty that God has made him both Lord and Messiah, this Jesus whom you crucified." Now when they heard this, they were cut to the heart and said to Peter and to the other apostles, "Brothers, what should we do?" Peter said to them, "Repent, and be baptized every one of you in the name of Jesus Christ so that your sins may be forgiven; and you will receive the gift of the Holy Spirit. For the promise is for you, for your children, and for all who are far away, everyone whom the Lord our God calls to him." And he testified with many other arguments and exhorted them, saying, "Save yourselves from this corrupt generation." So those who welcomed his message were baptized, and that day about three thousand persons were added.</p>	<p>اعمال رسولان ۲: ۱۴، ۳۶-۴۱</p> <p>آنگاه پطرس با یازده رسول دیگر از جا برخاست و با صدای بلند به ایشان گفت: "ای اهالی اورشلیم، ای زائرینی که در این شهر بسر می‌برید، گوش کنید از این جهت، من امروز به وضوح و روشنی به همه شما هموطنانم می‌گویم که همین عیسی که شما بر روی صلیب کشتید، خدا او را خداوند و مسیح تعیین فرموده است!" سخنان پطرس مردم را سخت تحت‌تأثیر قرار داد. بنابراین، به او و به سایر رسولان گفتند: "برادران، اکنون باید چه کنیم؟" پطرس جواب داد: "هر یک از شما باید از گناهانتان دست کشیده، بسوی خدا باز گردید و به نام عیسی تعمید بگیرید تا خدا گناهانتان را ببخشد. آنگاه خدا به شما نیز این هدیه، یعنی روح القدس را عطا خواهد فرمود. زیرا مسیح به شما که از سوی خداوند، خدای ما دعوت شده‌اید، و نیز به فرزندان شما و همچنین به کسانی که در سرزمینهای دور هستند، وعده داده که روح القدس را عطا فرماید." سپس پطرس به تفصیل درباره عیسی سخن گفت و تمام شنوندگان را تشویق نمود که خود را از گناهان مردم شرور آن زمانه آزاد سازند. از کسانی که گفته‌های او را قبول کردند، تقریباً سه هزار نفر تعمید گرفتند،</p>
<p>Psalms 116:1-4, 12-19</p> <p>I love the LORD, because he has heard my voice and my supplications. Because he inclined his ear to me, therefore I will call on him as long as I live. The snares of death encompassed me; the pangs of Sheol laid hold on me; I suffered distress and anguish. Then I called on the name of the LORD: "O LORD, I pray, save my life!" What shall I return to the LORD for all his bounty to me? I will lift up the cup of salvation and call on the name of the LORD, I will pay my vows to the LORD in the presence of all his people. Precious in the sight of the LORD is the death of his faithful ones. O LORD, I am your servant; I am your servant, the child of your serving girl. You have loosed my bonds. I will offer to you a thanksgiving sacrifice and call on the name of the LORD. I will pay my vows to the LORD in the presence of all his people, in the courts of the house of the LORD, in your midst, O Jerusalem. Praise the LORD!</p>	<p>مزامیر ۱۱۶: ۱-۴، ۱۲-۱۹</p> <p>خداوند را دوست می‌دارم زیرا ناله و فریاد مرا می‌شنود و به درخواست من گوش می‌دهد، پس تا آخر عمر، نزد او دعا خواهم کرد. خطر مرگ بر من سایه افکنده بود و مایوس و غمگین بودم، سپس نام خداوند را خواندم و فریاد زدم: "اه ای خداوند، مرا نجات بده!" اما اینک در برابر همه خوبیهایی که خداوند برای من کرده است، چه می‌توانم به او بدهم؟ هدیه نوشیدنی به حضور خداوند خواهم آورد تا از او تشکر نمایم که مرا نجات داده است. در حضور قوم او نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد. جان‌های مقدسان خداوند نزد او عزیزند، پس او نخواهد گذاشت آنها از بین بروند. ای خداوند، من بنده تو و پسر کنیز تو هستم. تو مرا از چنگ مرگ رها ساختی. قربانی شکرگزاری را به حضورت تقدیم می‌کنم و نام تو را گرامی می‌دارم. در حضور تمام مردم اسرائیل و در خانه تو که در اورشلیم است، نذرهای خود را ادا خواهم نمود. خداوند را سپاس باد!</p>
<p>1 Peter 1:17-23</p> <p>If you invoke as Father the one who judges all people impartially according to their deeds, live in reverent fear during the time of your exile. You know that you were ransomed from the futile ways inherited from your ancestors, not with perishable things like silver or gold, but with the precious blood of Christ, like that of a lamb without defect or blemish. He was destined before the foundation of the world, but was revealed at the end of the ages for your sake. Through him you have come to trust in God, who raised him from the dead and gave him glory, so that your faith and hope are set on God. Now that you have purified your souls by your obedience to the truth so that you have genuine mutual love, love one another deeply from the heart. You have been born anew, not of perishable but of imperishable seed, through the living and enduring word of God.</p>	<p>نامه ی اول پطرس ۱: ۱۷-۲۳</p> <p>در ضمن به یاد داشته باشید که پدر آسمانی‌تان خدا، که دست دعا بسوی او دراز می‌کنید، در روز جزا از کسی طرفداری نخواهد کرد، بلکه اعمال هرکس را عادلانه داور خواهد نمود. بنابراین، تا زمانی که در این دنیا هستید، با خداترسی زندگی کنید. خدا برای نجات شما بهایی پرداخت، تا شما را از قید روش پوچ و باطل زندگی که از اجداد خود به ارث برده بودید، آزاد سازد؛ بهایی که خدا برای آزادی از این اسارت پرداخت، طلا و نقره نبود، بلکه خون گرانبه‌ای مسیح بود که همچون بره‌ای بی‌گناه و بی‌عیب قربانی شد. برای این منظور، خدا او را پیش از آفرینش جهان تعیین کرد، اما در این زمانهای آخر او را به جهان فرستاد تا شما را رستگار سازد. توسط اوست که شما به خدا ایمان آورده‌اید، به خدایی که مسیح را پس از مرگ زنده ساخت و او را سرافراز گردانید؛ و اکنون، ایمان و امید شما برخداست. حال، می‌توانید یکدیگر را واقعاً دوست بدارید، زیرا از زمانی که به مسیح ایمان آوردید و نجات یافتید، وجود شما از خودخواهی و تفرق پاک شده است. بنابراین، یکدیگر را از صمیم قلب دوست بدارید، زیرا از زندگی تازه‌ای برخوردار شده‌اید. این زندگی تازه را از والدین خود نیافته‌اید؛ چه، در این صورت، پس از چند صبحی تباه می‌شد؛ این زندگی تازه تا ابد پابرجا خواهد ماند، زیرا از مسیح حاصل شده، یعنی از پیام همیشه زنده خدا برای انسانها.</p>

Now on that same day two of them were going to a village called Emmaus, about seven miles from Jerusalem, and talking with each other about all these things that had happened. While they were talking and discussing, Jesus himself came near and went with them, but their eyes were kept from recognizing him. And he said to them, "What are you discussing with each other while you walk along?" They stood still, looking sad. Then one of them, whose name was Cleopas, answered him, "Are you the only stranger in Jerusalem who does not know the things that have taken place there in these days?" He asked them, "What things?" They replied, "The things about Jesus of Nazareth, who was a prophet mighty in deed and word before God and all the people, and how our chief priests and leaders handed him over to be condemned to death and crucified him. But we had hoped that he was the one to redeem Israel. Yes, and besides all this, it is now the third day since these things took place. Moreover, some women of our group astounded us. They were at the tomb early this morning, and when they did not find his body there, they came back and told us that they had indeed seen a vision of angels who said that he was alive. Some of those who were with us went to the tomb and found it just as the women had said; but they did not see him." Then he said to them, "Oh, how foolish you are, and how slow of heart to believe all that the prophets have declared! Was it not necessary that the Messiah should suffer these things and then enter into his glory?" Then beginning with Moses and all the prophets, he interpreted to them the things about himself in all the scriptures. As they came near the village to which they were going, he walked ahead as if he were going on. But they urged him strongly, saying, "Stay with us, because it is almost evening and the day is now nearly over." So he went in to stay with them. When he was at the table with them, he took bread, blessed and broke it, and gave it to them. Then their eyes were opened, and they recognized him; and he vanished from their sight. They said to each other, "Were not our hearts burning within us while he was talking to us on the road, while he was opening the scriptures to us?" That same hour they got up and returned to Jerusalem; and they found the eleven and their companions gathered together. They were saying, "The Lord has risen indeed, and he has appeared to Simon!" Then they told what had happened on the road, and how he had been made known to them in the breaking of the bread.

همان روز یکشنبه، دو نفر از پیروان عیسی به دهکده "عموآس" می‌رفتند که با اورشلیم حدود ده کیلومتر فاصله داشت. در راه درباره وقایع چند روز گذشته گفتگو می‌کردند، که ناگهان خود عیسی از راه رسید و با آنان همراه شد. اما خدا نگذاشت که در آن لحظه او را بشناسند. عیسی پرسید: "گویا سخت مشغول بحث هستید! موضوع گفتگویتان چیست؟" آن دو، ایستادند. آثار غم و اندوه از چهره‌شان نمایان بود. یکی از آن دو که "کلئوپاس" نام داشت، جواب داد: "تو در این شهر باید تنها کسی باشی که از وقایع چند روز اخیر بی‌خبر مانده‌ای!" عیسی پرسید: "کدام وقایع؟" گفتند: "وقایعی که برای عیسی ناصری اتفاق افتاد! او نبی و معلم توانایی بود؛ اعمال و معجزه‌های خارق العاده‌ای انجام می‌داد و مورد توجه خدا و انسان بود. اما کاهنان اعظم و سران مذهبی ما او را گرفتند و تحویل دادند تا او را به مرگ محکوم ساخته، مصلوب کنند. ولی ما با امیدی فراوان، تصور می‌کردیم که او همان مسیح موعود است که ظهور کرده تا قوم اسرائیل را نجات دهد. علاوه بر اینها، حالا که دو روز از این ماجراها می‌گذرد، چند زن از جمع ما، با سخنان خود ما را به حیرت انداختند؛ زیرا آنان امروز صبح زود به سر قبر رفتند و وقتی بازگشتند، گفتند که جسد او را پیدا نکرده‌اند، اما فرشتگانی را دیده‌اند که گفته‌اند عیسی زنده شده است! پس چند نفر از مردان ما به سر قبر رفتند و دیدند که هر چه زنان گفته بودند، عین واقعیت بوده است، اما عیسی را ندیدند." آنگاه عیسی به ایشان فرمود: "چقدر شما نادان هستید! چرا اینقدر برایتان دشوار است که به سخنان انبیاء ایمان بیاورید؟ آیا ایشان بروشنی پیشگویی نکرده‌اند که مسیح پیش از آنکه به عزت و جلال خود برسد، می‌بایست تمام این زحمات را ببیند؟" سپس تمام پیشگویی‌هایی را که درباره خودش در تورات موسی و کتابهای سایر انبیاء آمده بود، برای آنان شرح داد. در این هنگام به دهکده عموآس و پایان سفرشان رسیدند و عیسی خواست که به راه خود ادامه دهد. اما چون هوا کم‌کم تاریک می‌شد، آن دو مرد با اصرار خواهش کردند که شب را نزد ایشان بماند. پس عیسی به خانه ایشان رفت. وقتی بر سر سفره نشستند، عیسی نان را برداشت و شکرگزاری نموده، به هر یک تکه‌ای داد. ناگهان چشمانشان باز شد و او را شناختند! همان لحظه عیسی ناپدید شد. آن دو به یکدیگر گفتند: "دیدنی وقتی در راه، مطالب کتاب آسمانی را برای ما شرح می‌داد، چگونه دلمان به تپش افتاده بود و به هیجان آمده بودیم؟" پس بی‌درنگ به اورشلیم بازگشتند و نزد یازده شاگرد عیسی رفتند که با سایر پیروان او گرد آمده بودند، و می‌گفتند: "خداوند حقیقتاً زنده شده است! پطرس نیز او را دیده است!" آنگاه آن دو نفر نیز ماجرای خود را تعریف کردند و گفتند که چگونه عیسی در بین راه به ایشان ظاهر شد و به چه ترتیب سر سفره، هنگام پاره کردن نان، او را شناختند.

Prayer after Communion

Living God,
your Son made himself known to his disciples
in the breaking of bread:
open the eyes of our faith,
that we may see him in all his redeeming work;
who is alive and reigns, now and for ever.

دعای پس از عشاء ربانی

خداوند زنده،
فرزندت، خود را به حواریون در پاره کردن نان شناساند:
چشمهای ایمان ما را باز کن،
تا بتوانیم او را بعنوان منجی ببینیم؛
کسی که زنده است و با تو حکومت می‌کند، تا ابدالابد.

A reading from the Acts of the Apostles

But Peter, standing with the eleven, raised his voice and addressed them, "Therefore let the entire house of Israel know with certainty that God has made him both Lord and Messiah, this Jesus whom you crucified." Now when they heard this, they were cut to the heart and said to Peter and to the other apostles, "Brothers, what should we do?"

Peter said to them, "Repent, and be baptized every one of you in the name of Jesus Christ so that your sins may be forgiven; and you will receive the gift of the Holy Spirit. For the promise is for you, for your children, and for all who are far away, everyone whom the Lord our God calls to him." And he testified with many other arguments and exhorted them, saying, "Save yourselves from this corrupt generation." So those who welcomed his message were baptized, and that day about three thousand persons were added.

آنگاه پطرس با یازده رسول دیگر از جا برخاست و با صدای بلند به ایشان گفت: "ای اهالی اورشلیم، ای زائرینی که در این شهر بسر می‌برید، گوش کنید
"از این جهت، من امروز به وضوح و روشنی به همه شما هموطنانم می‌گویم که همین عیسی که شما بر روی صلیب کشتید، خدا او را خداوند و مسیح تعیین فرموده است!" سخنان پطرس مردم را سخت تحت‌تأثیر قرار داد. بنابراین، به او و به سایر رسولان گفتند: "برادران، اکنون باید چه کنیم؟"
پطرس جواب داد: "هر یک از شما باید از گناهانتان دست کشیده، بسوی خدا باز گردید و به نام عیسی تعمید بگیریید تا خدا گناهانتان را ببخشد. آنگاه خدا به شما نیز این هدیه، یعنی روح‌القدس را عطا خواهد فرمود. زیرا مسیح به شما که از سوی خداوند، خدای ما دعوت شده‌اید، و نیز به فرزندان شما و همچنین به کسانی که در سرزمینهای دور هستند، وعده داده که روح‌القدس را عطا فرماید." سپس پطرس به تفصیل درباره عیسی سخن گفت و تمام شنوندگان را تشویق نمود که خود را از گناهان مردم شرور آن زمانه آزاد سازند.
از کسانی که گفته‌های او را قبول کردند، تقریباً سه هزار نفر تعمید گرفتند،

This is the word of the Lord

1 Peter 1:17-23

A reading from the first letter of Peter

If you invoke as Father the one who judges all people impartially according to their deeds, live in reverent fear during the time of your exile.

You know that you were ransomed from the futile ways inherited from your ancestors, not with perishable things like silver or gold, but with the precious blood of Christ, like that of a lamb without defect or blemish.

He was destined before the foundation of the world, but was revealed at the end of the ages for your sake.

Through him you have come to trust in God, who raised him from the dead and gave him glory, so that your faith and hope are set on God.

Now that you have purified your souls by your obedience to the truth so that you have genuine mutual love, love one another deeply from the heart.

You have been born anew, not of perishable but of imperishable seed, through the living and enduring word of God.

This is the word of the Lord